

شکاف فضایی بنیان‌های اقتصاد عشایری در استان خراسان جنوبی

محمد حجی پور* - استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

تاریخ دریافت: ۰۹ مهر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۳۰ آبان ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: کوچ‌نشینی دارای اقتصادی مولد و توسعه‌زا است. کارکرد بی‌بدیل اقتصاد و تولیدات عشایری سبب می‌شود تا بهبود و تحول در این جز از پیکره اقتصاد ملی، همواره تلاشی مهم باشد. با وجود اهمیت اقتصاد مولد عشایری، چالش‌های جدی گریبان‌گیر عشایر کشور است به گونه‌ای که در حال حاضر بسیاری از آنان یا از این حوزه‌ی فعالیتی خارج شدند یا از اشتغال در این حوزه ناراضی‌تاری دارند. از مسائل اولویت‌دار مرتبط با اقتصاد کوچ‌نشینان که کمتر نیز بدان توجه گردیده، نابرابری‌ها و شکاف‌های فضایی است. استان خراسان جنوبی یکی از مناطق عشایری است که در ردیف پنجم کشوری قرار دارد.

هدف پژوهش: در پژوهش حاضر سعی شده تا به تحلیل وضع موجود از حیث پراکنش و برخورداری فضایی از عناصر اصلی اقتصاد عشایر (نیروی کار، دام و مرتع) به منظور درک بهتر نابرابری‌های فضایی در نواحی عشایری استان خراسان جنوبی پرداخته شود.

روش‌شناسی تحقیق: تحقیق حاضر دارای ماهیتی کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی - تحلیلی و ژرفانگر است. داده‌های تحقیق برپایه مطالعات اسنادی گردآوری شده است. بانک داده‌های اولیه در نرم افزار اکسل تشکیل گردید و پس از ورود اطلاعات لازم به محیط نرم افزار ArcMap و GeoDa اقدام به تحلیل فضایی داده‌ها و تهیه نقشه‌های خروجی گردید.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: در این تحقیق قلمرو جغرافیایی مشتمل بر عشایر شهرستان‌های استان خراسان جنوبی است.

یافته‌ها و بحث: به دنبال انطباق اطلاعات سه رکن مرتع، دام و نیروی کار در فضاهای عشایری خراسان جنوبی نتایج نشان داد که دسترسی همسان و متوازی از این سه رکن مهم در سطح شهرستان‌ها وجود ندارد؛ به گونه‌ای که نواحی دارای بیشترین برخورداری از دام، چندان غنایی به لحاظ نیروی انسانی و مرتع ندارد.

نتایج: می‌توان گفت تعمیق نابرابری و گسست فضایی از حیث بنیان‌های اقتصاد عشایری، اپیدمی حاکم بر فضا است. از این رو لازم است برنامه‌ریزی توسعه با رویکرد آمایش فضا از حیث فعالیت‌ها و ظرفیت‌های مهم اقتصاد عشایری با هدف کاهش نابرابری‌ها انجام گیرد.

کلیدواژه‌ها: نابرابری، اقتصاد عشایری، دامداری، مرتع، نیروی کار.

مقدمه

از منظر اقتصادی تحقق توسعه سرزمین نیازمند تحولاتی همچون بهبود و رشد بخش‌های مولد است. در این میان، اقتصاد عشایری از حوزه‌های مولد اقتصاد ایران است که هم راندمان حداکثری و هم سابقه‌ای چند هزارساله در تاریخ نظام معیشت و سکونت کشور دارد. کوچ-نشینان با درک کامل رویه تغییرات و رشد گیاهان، فعالیت‌های معیشتی و اقتصادی خود را در بهره‌برداری از منابع طبیعی (گیاهان مراتع)، همراستا و هماهنگ با مراحل فنولوژیکی رشد گیاهان و نظام طبیعت تنظیم نمودند. آنها برای بهره‌گیری از مراتع و امکانات زندگی، از مکانی به مکان دیگر کوچ می‌کنند و به شیوه سنتی به دامداری می‌پردازند (دهقانیان و کهنسال، ۱۳۷۹: ۷۵).

عشایر، جامعه‌ای با فعالیت‌های اقتصادی به شمار می‌آیند که خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و شیوه سکونت ویژه‌ای دارد. جامعه عشایری دارای توانمندی‌های انسانی، محیطی و اقتصادی است که توسعه آن در حیات سرزمین و توسعه ملی اثرگذار است (صیدایی، ۱۳۸۸: ۱۴۹)؛ به گونه‌ای که تأمین نیاز پروتئینی جمعیت کشور، کمک به صرفه‌جویی ارزی از طریق کاهش واردات، تولید محصولات صادراتی غیرنفتی و پاسداری از مرزهای کشور از اهم کارکردهای فضایی عشایر است. مزیت دیگر عشایر، تغذیه دام با تکیه بر مراتع و پس‌چر مزارع است که از نظر اقتصادی دارای هزینه-فرصت پایینی است (اولیائی، ۱۳۶۹: ۱۱۴؛ دهقانیان و کهنسال، ۱۳۷۹: ۷۷؛ حیاتی، ۱۳۸۰: ۱۷۱؛ نجفی، ۱۳۸۳).

با وجود کارکرد بی‌بدیل عشایر در کشور، بررسی‌ها روشن می‌سازد که نظام عشایری ایران به علت تحولات دهه‌های گذشته، دستخوش دگرگونی‌های فراوانی شده است (دهقانیان و کهنسال، ۱۳۷۹: ۷۵)؛ نظام تولید عشایری بر پایه سه عنصر "دام"، "مرتع" و "نیروی کار" استوار است (یاسوری و کشوری، ۱۳۹۱: ۴)؛ در این میان، "مرتع" از نقش محوری برخوردار است چراکه افزایش تعداد دام و ارتقا توان اقتصادی خانوارهای دامدار همواره تابعی از میزان و کیفیت مراتع بوده و هرچه سطح برخورداری از دو شاخص مذکور بیشتر باشد، تعداد دام خانوار نیز فزونی می‌یابد (جعفریگی، ۱۳۸۲: ۱۴)؛ این در حالی است که طی سال‌های اخیر بر اثر پدیده تغییر اقلیم، بروز خشکسالی‌های غیرطبیعی و روند افزایش تقاضا برای منابع ناشی از رشد جمعیت، عدم تناسب فرهنگ مصرف با شایستگی‌های تولیدی جامعه و اجرای طرح‌های توسعه کشور در سایر بخش‌ها، تخریب مراتع شدت یافته است (فیاض، ۱۳۹۹: ۷). نتیجه‌ی مواردی از این دست، افول دامداری و دامپروری در بین سایر فعالیت‌های اقتصادی کشور و تضعیف اقتصاد عشایری بوده است (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶). بدین‌سان، سهم جمعیتی عشایر کشور در حال کاهش است و هرچه از جمعیت کوچ‌نشینان کاسته شود، به همان نسبت سهم اقتصاد دامی در اقتصاد کشور تنزل یافته و میزان وابستگی به ارز جهت وارد کردن گوشت و فرآورده‌های دامی و لبنی بیشتر خواهد شد (مشیری و مولائی، ۱۳۸۶: ۴۷).

در کشور، عشایر با ۲۳۰ هزار خانوار بهره‌بردار و یک میلیون نفر جمعیت، حدود یک چهارم از بهره‌برداران مراتع را تشکیل می‌دهند. بنا به آمار موجود، میانگین مساحت مراتع هر خانوار عشایر ۱۵۰ هکتار، میانگین تعداد دام آنها ۱۱۲ رأس (۱۱۰ رأس سبک و ۱۲ رأس سنگین)، عرصه مراتع تحت بهره‌برداری آنها ۳۴/۵ میلیون هکتار و تعداد واحد دامی آنها ۲۵/۷ میلیون رأس است. ۲۸ درصد دام و ۳۸ درصد مراتع کشور تحت مدیریت عشایر است (فیاض، ۱۳۹۹: ۷). با این وجود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی روشن می‌سازد که تعداد زیادی از عشایر کشور دارای بنیه اقتصادی و مالی ضعیف هستند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۶) به طوری که در بسیاری از زمینه‌ها، کوچ‌نشینان محروم‌تر از یکجانشینان هستند (یاسوری و کشوری، ۱۳۹۱: ۱).

باتوجه به اینکه یکی از ملزومات اصلی حصول رفاه در جامعه، برخورداری از درآمد کافی است، بایستی تلاشی نمود تا بنیان‌های اقتصادی در زیستگاه‌های عشایری توسعه یابد. از سوی دیگر، هر اقدام و برنامه‌ریزی به منظور تغییر و تحول در وضعیت جامعه عشایری، در وهله‌ی اول نیازمند شناخت و آگاهی نسبت به شرایط حاکم بر آن است (منصوری، ۱۳۸۱؛ صیدایی، ۱۳۸۸: ۱۵۱). بدین‌سان، تحلیل وضع موجود از حیث پراکنش و برخورداری فضایی عناصر اصلی اقتصاد عشایر (نیروی کار، دام و مرتع) و ظرفیت هر کدام از این عوامل در مکان‌های مختلف می‌تواند به شناخت شکاف و نابرابری‌های فضایی کمک شایانی نماید. در تحقیق پیش رو تلاش شده تا به بررسی و تحلیل فضایی عوامل بنیادین اقتصاد عشایر در شهرستان‌های استان خراسان جنوبی که جزو پنجمین استان از نظر جمعیت عشایر در کشور است، پرداخته شود.

در خصوص ضرورت و اهمیت این تحقیق می‌توان گفت از آنجایی که عشایر سهم قابل توجهی از تولیدات دامی کشور را دارند، شناخت جنبه‌های اقتصادی تولیدات آنان با استفاده از روش‌های علمی می‌تواند در برنامه‌ریزی به منظور افزایش میزان تولیدات این قشر برای تحقق استقلال اقتصادی و تأمین امنیت غذایی کشور مورد استفاده قرار گیرد و به ارتقاء سطح درآمد و بهبود معیشت جامعه عشایری کمک نماید. مهم‌تر اینکه، درک نابرابری‌های فضایی در جنبه‌های مختلف تولید می‌تواند در برنامه‌ریزی فضایی مطلوب برای پایداری زیست و اقتصاد عشایری اثرگذار باشد.

تاکنون مطالعات عدیده‌ای راجع به اقتصاد عشایری انجام شده که مواردی از آن در ادامه بیان گردیده است. بررسی سابقه موضوع روشن می‌سازد که کمتر مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل فضایی ظرفیت‌های اقتصاد عشایری در بطن نواحی و مکان‌های جغرافیایی پرداخته است و این رویکرد بایستی در راستای کمک به امر برنامه‌ریزی فضایی و اقتصاد فضا در ارتباط با جامعه عشایری گسترش یابد:

شاطری و حجتی پور (۱۳۹۹) پس از مطالعه‌ای با عنوان "بررسی ظرفیت، استعداد و زمینه‌های اشتغال در مناطق عشایری استان خراسان جنوبی" دریافتند که ظرفیت‌های عدیده‌ای در عرصه‌های عشایری وجود دارد که نیازمند حمایت معنوی و مادی از جانب دولت برای به فعلیت درآوردن آن می‌باشد؛ برای درمان موقتی مسأله نبود اشتغال و کم درآمدی خانوارهای عشایر بایستی در وهله‌ی اول تأکید و اهتمام جدی بر توسعه فعالیت‌های دامداری و دامپروری داشت. چراکه سابقه و تجربه چند نسلی عشایر به فعالیت‌های دامداری و کمبود تجربه‌شان در حوزه‌هایی نظیر کشاورزی نشان داده است و حتی در مناطقی که ظرفیت‌هایی برای زراعت و باغداری در اختیار ایشان بوده، دارای بهره‌وری پایینی است. در صورت تعلل و نادیده انگاری وضع موجود، به نظر می‌رسد در آینده ای نچندان دور، سرمایه‌های موجود در فضاهای عشایری استان، دور از دسترس چرخه‌ی اقتصادی خواهند ماند و جمعیت عشایر استان به خیل عظیم بیکاران چشم انتظار در شهرها ملحق خواهند شد.

علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی اقتصاد تولیدات عشایر زیست بوم میانه" دریافتند که در زیست بوم میانه میانگین دام هر خانوار عشایری ۱۰۷/۶ رأس بوده و همچنین از نظر درآمد، ۷۷ درصد از درآمد خانوار عشایری از پرورش و فروش دام و ۱۹/۴ درصد درآمد آنان از تولید و فروش شیر تأمین می‌شود. یاسوری و کشوری (۱۳۹۱) دریافتند که در سال‌های مورد مطالعه، به علت خشکسالی درآمد عشایر از فعالیت‌های جنبی نظیر باغداری و زراعت ناچیز بوده و رکن اصلی تأمین درآمد و اقتصاد آنان "دامداری" بوده است. همچنین در مقایسه با عشایر اسکان یافته نیز، اگر عشایر کوچ رو دارای حداقل ۲۰۰ رأس دام باشند، رضایت درآمدی خواهند داشت. شکور و رضایی (۱۳۸۹) نتیجه‌گیری نموده‌اند که عشایر دارای ضعف مالی هستند و بایستی برنامه‌ریزی به منظور توسعه این بنیان‌های اقتصادی متناسب با محل زندگی افراد صورت گیرد. بخشی جهرمی (۱۳۸۸) در مطالعه خود با عنوان "آنالیز اقتصاد تولید و درآمد عشایر" ادعان داشته است که پراکندگی خانوار مهمترین مشکل ارائه خدمات و دیگری درآمد از صنایع دستی است. کرباسی و نیکخواه (۱۳۸۴) با بررسی اقتصاد تولید دام عشایری در استان لرستان ادعان داشته‌اند که توسعه رویکرد دامپروری بجای دامداری سنتی می‌تواند بهبود سطح درآمد عشایر را فراهم آورد. کفیل زاده و همکاران (۱۳۸۱) در بررسی اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته (ایل کرد) دریافتند که دام عشایر بعد از اسکان تغییر نوع می‌یابد و دام عشایر کوچنده تعداد کمتری نسبت به عشایر اسکان یافته دارد. عشایر کوچنده بیشتر دام کوچک نگهداری می‌کنند در حالی که عشایر اسکان یافته هم دام کوچک و هم بزرگ نگهداری می‌کنند. دهقانیان و کهنسال (۱۳۷۹) با تحقیق صورت گرفته دریافتند زراعت عشایر در کنار دامپروری و فروش دام، یکی دیگر از منابع مهم دستیابی به درآمد این افراد است.

از خطرترین سیاست‌های برنامه‌ریزان در ارتباط با عشایر کشور، برنامه‌ریزی با رویکردی اقتصادی است که زمینه‌ساز تحولات در ابعاد اجتماعی و فرهنگی زندگی عشایر نیز می‌شود (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶). در رهیافت اقتصادی برنامه‌ریزی، یکی از مهمترین و نخستین چالش‌های پیش‌روی کشورها "نابرابری" است؛ به طوری که جمله آغاز گزارش منتشر شده از صندوق بین المللی پول در ژوئن ۲۰۱۵: «باید سلامتی جامعه را نه بر مبنای وضعیت ثروتمندترین بخش جمعیت، بلکه براساس شرایط زندگی فقیرترین گروه‌ها بسنجیم» تأکیدی است بر اهمیت نابرابری و همچنین اینکه نابرابری فزاینده در کشورها مبین بیمار بودن جامعه است (Dabla-Norris et al., 2015) به نقل از کریمی موعاری، ۱۳۹۹: ۲۰۷)

نابرابری پدیده‌ای است که ناخواسته برآمده از علل گوناگونی مانند علل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی است که در جوامع انسانی نمود می‌یابد و در اشکال مختلف خود را در جامعه نشان می‌دهد (یاسوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۹). به تعبیری دیگر، نابرابری را می‌توان تفاوت افراد جامعه در دستیابی به منابع اقتصادی تعریف کرد که از عواملی مانند سیاست‌های دولت در توزیع منابع، ویژگی‌های شخصی مانند جنس و سن افراد، سطح آموزش و بهداشت جامعه تأثیر می‌پذیرد (فطرس و شهبازی، ۱۳۹۵: ۶۹). به باور کاستلز، نابرابری به تخصیص متمایز ثروت، درآمد و دارایی به وسیله گروه‌های اجتماعی و فردی مختلف نسبت به یکدیگر نسبت داده می‌شود (جمالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

نابرابری، همان ناهمسانی‌های رفتاری است که جامعه میان افراد قایل می‌شود. گروهی از پژوهشگران بر این باورند که ریشه نابرابری، ناهمسانی فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و گرایش به سخت کوشی است (یاسوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۹). نابرابری علامت عدم امکان افزایش درآمد و کسب فرصت‌ها و بازتابی از پایداری شرایط نامساعد برای لایه‌های خاصی از جامعه است (کریمی موعاری، ۱۳۹۹: ۲۰۸). البته بایستی ادعان داشت که میزانی از نابرابری تاجایی که مشوق و محرک افراد در رقابت، برتری‌جویی اقتصادی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری برای

پیشرفت در زندگی باشد، توصیه شده چراکه محرکی برای نوآوری و کارآفرینی و در کل دارای اثرات مثبت است (Lazear and Rosen, 1981; Barro, 2000).

از دهه ۱۹۷۰، فعالیت جدی جغرافی‌دانان درباره نابرابری‌ها و موضوعات اخلاقی و اجتماعی گسترش یافت (Councleris, 1999: 115). میسررا این موضوع را این گونه بیان می‌کند که در هر حوزه یا ناحیه فرو ملی، بدون در نظر گرفتن اندازه ی آن، از نظر درآمد، ظرفیت های عوایدی و کیفیت زندگی، تفاوت هایی میان - فردی و میان - گروهی وجود دارد. این تفاوت ها ممکن است ریشه های تاریخی و فرهنگی داشته باشد، اما قسمتی نیز ناشی از مناسبت های طبقات اجتماعی است که مختصات هر فرد و گروه را در دوره تولید و توزیع تبیین می‌کند. نابرابری های چشمگیر توسعه اعم از آن که از چشم اندازی محلی، منطقه ای یا گروهی نگاه شوند، تا اندازه ای از این مناسبت ها ناشی می‌شوند؛ در این صورت نابرابری های منطقه ای را باید نشانه های چیز بسیار ریشه دارتر و بنیادی تر دانست (مایو گونج و میسررا، ۱۳۶۸: ۵۴). بحث نابرابری غالباً به دو مقوله‌ی نابرابری درآمد (که توسط میزان درآمد، ثروت یا میزان مخارج اندازه‌گیری می‌شود) و نابرابری فرصت (اختلاف میان افراد به دلیل شرایط خارج از کنترلی مانند جنسیت، نژاد، محل تولد یا زمینه‌های خانوادگی) ارتباط می‌یابد (کریمی‌موغاری، ۱۳۹۹: ۲۰۸). نابرابری در چارچوب فضایی (منطقه‌ای) نیز مصداق دارد و اهم ملاک‌های سنجش آن معطوف به شاخص‌هایی همچون درآمد، اشتغال افراد جامعه، تولید ناخالص منطقه‌ای، کار و سرمایه‌گذاری، رشد جمعیت، شرایط مسکن و سطح میانگین آموزش است (جمالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

در تبیین علل نابرابری، نظریات متعددی می‌توان یافت. یکی از علل بنیادین نابرابری، نیازهای فطری انسان (اعم از جسمی، ایمنی و احترام‌خواهی) برشمرده شده است (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۴۵۶). از منظر فلاسفه، همچون ارسطو نیز نابرابری لازمه حیات مادی است؛ دیوید هیوم، معتقد به نقش‌آفرینی چهار عنصر مادی، روانی، اجتماعی و سیاسی در ایجاد نابرابری است. بنا به باور ویپر، ما در سه بعد نابرابری: اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (نراقی، ۱۳۷۵: ۱۰۱؛ یاسوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

کارل مارکس و اندیشه کمونیستی بر این باور بود که نابرابری برای همیشه باید در جامعه انسانی ریشه‌کن شود؛ البته این اندیشه به شکست منتهی شد و امروزه گفته می‌شود که: «زمانی که نابرابری پدیدار شد، دگرگونی آن دشوار است. بدیهی است که با گذشت زمان، اندکی کاهش می‌یابد اما بیشتر خود را پایدار می‌سازد» (یاسوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۰). در بیان علل این پایداری نیز به پنج عامل اشاره شده است: ۱- کوشش‌های ثروتمندان ۲- نهادهای اجتماعی ۳- فرهنگ ۴- اجتماعی شدن و ۵- ابزار زور (شارون، ۱۳۷۹: ۱۱۹)

بر پایه تعاریف و مصداق ارائه شده از دیدگاه‌های مختلف می‌توان دریافت، نابرابری دارای انواع و گونه‌های متعددی است؛ سه گونه نابرابری که تبیین‌کننده‌ی تئوریک پژهش حاضر است و از طرفی، پیوند عمیقی نیز در وجود یا عدم وجود این گونه‌های نابرابری برقرار است می‌توان به ۱- نابرابری اقتصادی ۲- نابرابری در توسعه و ۳- نابرابری فضایی اشاره داشت:

نابرابری اقتصادی با نابرابری‌های ثروت و درآمد در پیوند است (یاسوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۶). این گونه از نابرابری که به تعبیری می‌توان آن را اختلاف طبقاتی دانست، منجر به ایجاد فضاهایی نابرابر می‌شود و مصداقی از جمله اسکان رسمی در مقابل اسکان غیررسمی گویای نوعی نابرابری فضایی است (خیرالدین و قادری، ۱۴۰۰: ۱۳۶).

نابرابری در توسعه به اعتقاد برخی از اندیشمندان به چهار عامل "گستره کشور"، "عوامل طبیعی تولید"، "پویایی جامعه" و "ساختارهای تولیدی" وابسته است؛ به گونه‌ای که هر چه جامعه‌ای گسترده‌تر باشد و بر منابع بیشتری از زمین مسلط باشد، هرچه در زمینه جمعیت و پیشرفت پویاتر باشد و طرح‌ریزی ساختارهای تولیدی به طریقی باشد که بتواند اسراف و زیاده روی را به کمترین اندازه برساند و از نیروهای بالقوه، منابع خام و نیروی کار با حداکثر بهره‌وری استفاده نماید، در جایگاه برتری به لحاظ برخورداری و دسترسی‌ها قرار خواهد داشت (یاسوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۶-۲۲۷).

نابرابری فضایی نیز به نابرابر توزیع شدن فرصت‌ها و جایگاه‌های اجتماعی در فضا اشاره دارد. در هر جامعه‌ای دارای نمودهای گوناگونی است اما از شناخته شده‌ترین آن که در کشورهای روبه توسعه می‌توان دید، نابرابری میان شهر و روستا یا روستا و زیستگاه عشایری یا شهر و زیستگاه عشایری است. در ادبیات برنامه‌ریزی فضایی، این گونه از نابرابری‌ها در فضا با صفت "مناطق محروم" و "مناطق برخوردار" معرفی و بحث می‌شود. بدین‌سان، نابرابری فضایی نوعی از نابرابری‌های اجتماعی را ترسیم می‌کند که بیشتر به صورت نابرابری اقتصادی در جوامع ملموس است. به تعبیری، نابرابری فضایی یعنی نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی وابسته به مکان (خیرالدین و قادری، ۱۴۰۰: ۱۳۶؛ یاسوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۸).

در خصوص عواقب و پیامدهای ایجاد و تعمیق نابرابری می‌توان گفت منجر به تمرکز قدرت سیاسی در دستان عده‌ای معدود می‌شود که به نوبه‌ی خود، موجب استفاده‌ی غیربهبینه از منابع انسانی، تضعیف بنیان‌های سیاسی و کاهش ثبات اقتصادی می‌گردد (کریمی‌موغاری، ۱۳۹۹: ۲۰۸). در مجموع اهم پیامدهای نابرابری را می‌توان به شرح جدول زیر برشمرد:

جدول ۱. پیامدهای ایجاد و افزایش نابرابری در فضای جغرافیایی

پیامدها	مرجع
کاهش سرمایه‌گذاری؛ تنزل رشد؛ تخریب اعتماد و همبستگی اجتماعی؛ احساس نارضایتی	Lichbach, 1989
کاهش عرضه کالاها؛ عمومی؛ کاهش بهره‌وری؛ آسیب به اقشار ضعیف	Putnam, 2000; Bourguignon, 2003
جلوگیری از کاهش فقر	Ravallion, 2004
آشوب و انقلاب در جامعه	Bourguignon and Verdier, 2000
تأثیر بر رفاه جمعیت کنونی و نسل‌های آینده	اکبری و همکاران، ۱۳۹۰
افزایش فساد	کفایی و نصیری، ۱۳۸۷
محدودیت دسترسی طبقات فقیر به اعتبارات؛ جابجایی جمعیت	خالصی و پیرایی، ۱۳۹۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

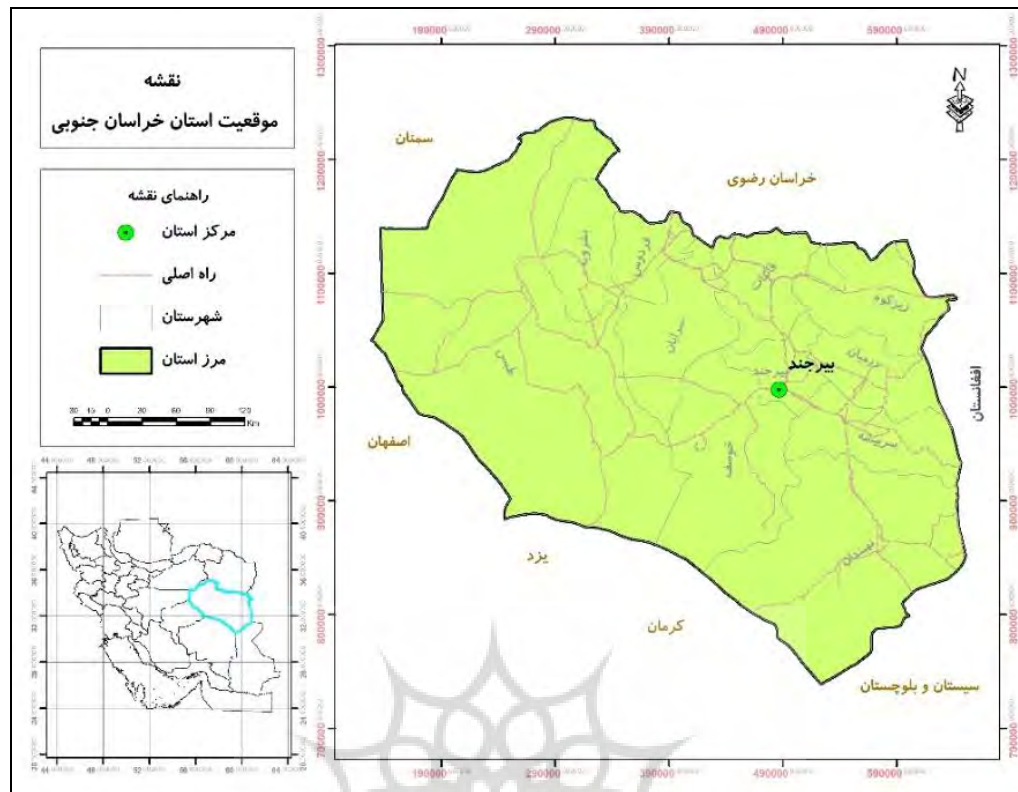
روش‌شناسی پژوهش

تحقیق گزارش شده دارای ماهیتی کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی - تحلیلی و ژرفانگر است. داده‌های تحقیق برپایه مطالعات اسنادی گردآوری شده است. اطلاعات بخش نظری از تحقیقات قبلی ثبت شده در پایگاه‌های علمی دارای دسترسی آزاد گرفته شده و آمار مربوط به بخش یافته‌های تحقیق نیز مرکز آمار ایران و بانک اطلاعات اداره کل امور عشایری خراسان جنوبی اخذ شده است. سه شاخص اصلی به منظور تحلیل شامل جمعیت / نیروی کار عشایری، دام و مراتع بوده است. داده‌های کمی از سال ۱۳۹۹ شمسی اخذ شده است. سطح جغرافیایی مورد مطالعه، ۱۱ شهرستان استان خراسان جنوبی است. بانک داده‌های اولیه در نرم افزار اکسل تشکیل گردید و پس از ورود اطلاعات لازم به محیط نرم افزار ArcMap و GeoDa اقدام به تحلیل فضایی داده‌ها و تهیه نقشه‌های خروجی گردید. در تحلیل پراکنش مکانی داده‌ها از آماره‌ی گتیس-اورد جی استار (الگوی HotSpot) استفاده شد.

تحلیل لکه‌های داغ از آماره‌ی گتیس اورد (جی استار - G^*)، برای کلیه عوارض موجود در داده‌ها استفاده می‌کند. نمره Z محاسبه شده نشان می‌دهد که در کدام مناطق داده‌ها با مقادیر زیاد یا کم خوشه‌بندی شده است. در چارچوب این تحلیل، اگر عارضه‌ای مقدار بالا داشته باشد جالب و مهم است، اما بدین معنا نیست که یک لکه داغ باشد. عارضه‌ای لکه داغ تلقی می‌شود که هم خود عارضه و هم عارضه‌های همسایه آن از نظر آماری معنادار باشد. امتیاز Z برای خروجی نهایی زمانی به دست خواهد آمد که مجموع محلی عارضه و همسایه آن به طور نسبی با جمع کل عارضه‌ها مقایسه گردد (Rogerson, 2006; Getis and Ord, 1992).

قلمرو جغرافیایی پژوهش

براساس آخرین سرشماری عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ توسط مرکز آمار ایران، جمعیت بیلاقی عشایر استان خراسان جنوبی ۸۱ هزار نفر (۱۵۳۳۱ خانوار) و جمعیت قشلاقی عشایر این استان ۷۴۲۶۶ نفر (۱۴۲۳۱ خانوار) است. از عمده طوایف استان می‌توان به طوایف بهلولی، بهمدی، ایلخانی، اردنی، جمالزهی، ده‌مرده، ناروئی، چشک، طاهری، ناصری، عرب، بارانی، عنانی، نخعی، خسروی، ماهیرودی، چوبدار، سارانی و نهتانی نامبرد که در سطح ۱۱ شهرستان پراکنش یافته و در این پهنه سرزمینی و حتی نواحی مجاور به بیلاق و قشلاق می‌روند.



شکل ۱. نقشه موقعیت استان خراسان جنوبی

یافته‌ها و بحث

اول، نیروی کار

زندگی عشایری تفاوت‌های قابل توجهی با دیگر گونه‌های زیست بشر دارد، یکی از مهم‌ترین این تمایزات، بسیط بودن دایره شمول نیروی کار خانوار آن نسبت به نیروی کار در دو جامعه روستایی و شهری است. در جامعه عشایری، افراد خانوار (اعم از پسر و دختر) از سنین بسیار پایین (۴ و ۵ سالگی) در فعالیت‌های تولیدی خانوار ایفای نقش می‌کنند؛ گاهی این نقش به صورت نگهداشتن بره‌ها و بزگاله‌ها به هنگام شیردوشی بوده یا چرای آنها جدای از گله اصلی است (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). بدین‌سان می‌توان با اندکی اغماض بیان نمود که نیروی کار در عشایر مترادف با جمعیت کل عشایر ساکن در هر کانون عشایری است. در استان خراسان جنوبی طبق آخرین سرشماری عمومی عشایر کشور در سال ۱۳۸۷، ۸۱ هزار نفر جمعیت عشایری در ۱۵۳۳۱ خانوار در موقعیت بیلاقی و بیش از ۷۴ هزار نفر در موقعیت قشلاقی داشته است (جدول ۲). بر اساس آمار اداره کل امور عشایری خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۹ تعداد خانوار عشایری کل استان (جمعیت ساکن بیلاقات) ۱۶۱۵۵ خانوار بوده که در شکل ۲، توزیع شهرستانی آن نمایش داده شده است.

بررسی‌ها مؤید این واقعیت است که پراکنش عشایر در شهرستان‌های استان به طور یکسان نبوده است؛ به گونه‌ای که شهرستان‌های درمیان، نهبندان و زیرکوه به ترتیب با برخورداری از ۲۲،۴۱ درصد، ۲۰،۱۷ درصد و ۱۶،۲۶ درصد از کل جمعیت عشایری استان، بیشترین سهم جمعیتی را دارند و به نوعی می‌توان آن‌ها را شهرستان‌های عشایری دانست. از سوی دیگر، شهرستان‌هایی همچون بشرویه و بیرجند با ۰،۶۱ درصد و ۰،۷۹ درصد از کل جمعیت عشایری، شهرستان‌های دارای کمترین جمعیت عشایری استان هستند. همچنین نواحی شرقی استان خراسان جنوبی یعنی مجاور با مرزهای بین‌المللی، عمده تجمع و حضور عشایر را می‌توان مشاهده نمود که به لحاظ اجتماعی - فرهنگی نیز می‌توان پیوندهایی را میان عشایر داخلی با عشایر ساکن در افغانستان یافت. آخرین سرشماری عشایر در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته است. طبق بررسی‌های صورت گرفته، نسبت باسوادی جمعیت بالای ۶ سال عشایری استان (به احتساب شهرستان طبس) ۷۰،۲ درصد بیان شده است که به لحاظ جنسیتی ۷۷ درصد از مردان و ۶۵ درصد از زنان بالای ۶ سال باسواد بوده‌اند.

از دیگر مشخصات اجتماعی طوایف و عشایر استان می‌توان به بعد خانواری آنان اشاره داشت که بررسی‌ها نشان می‌دهد در مجموع استان میزان بعد هر خانوار عشایری به طور متوسط ۵,۳ نفر بوده که کمترین آن به لحاظ مکانی - فضایی مربوط به عشایر شهرستان سرایان با ۴,۵ نفر و بیشتر میزان مربوط به شهرستان درمیان با ۶ نفر است. از این رو می‌توان گفت شهرستان درمیان به عنوان قطب عشایرنشین استان شناخته می‌شود که هنوز بسیاری از ویژگی‌های سنتی مربوط به جامعه عشایری در آن برقرار است (شکل ۳).

به طور کلی در شهرستان‌های عشایری استان که طوایف و جمعیت عشایری زیادی در آن سکنی گزیده‌اند، این عشایر اکثراً در خود شهرستان امورات خود را می‌گذرانند و عده‌ای نیز از سیستان و بلوچستان و خصوصاً شهر زابل جهت گذراندن ییلاق و تأمین علوفه تابستانی دام‌های خویش به شهرستان بیرجند و اطراف شهر بیرجند می‌آیند. عمده طوایفی که از زابل کوچ می‌کنند شامل: اردنی، سارانی، سنجرانی، جمالزهی، براهویی و ده‌مرده می‌باشند. این عشایر در اوایل فروردین‌ماه به بیرجند کوچ کرده و در اواخر خردادماه و تا اوایل تیرماه به زابل بر می‌گردند.

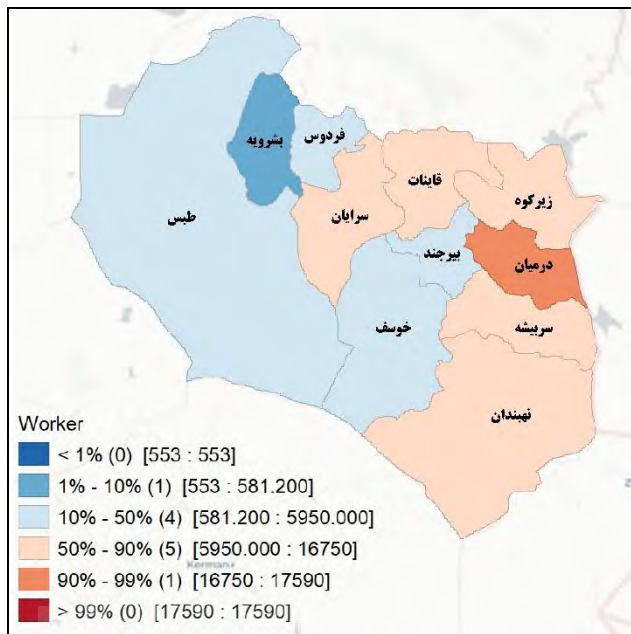
جدول ۲. آمار جمعیتی عشایر استان خراسان جنوبی به تفکیک شهرستان (۱۳۸۷)

نسبت جمعیت عشایر به کل استان (درصد)	بعد خانوار	عشایر قشلاقی		عشایر ییلاقی		محدوده
		جمعیت	خانوار	جمعیت	خانوار	
۱۴,۹۷	۴,۹	۷۵۹۵	۱۵۷۵	۱۵۶۴۴	۳۱۹۳	سربیشه
۲۰,۱۷	۵,۱	۱۵۱۳۹	۳۰۰۶	۱۶۱۹۰	۳۱۹۲	نهبندان
۲۲,۴۱	۶,۰	۱۷۲۱۲	۲۸۶۲	۱۷۵۹۰	۲۸۹۵	درمیان
۱۶,۲۶	۵,۵	۱۳۱۵۶	۲۴۵۵	۱۲۰۸۳	۲۱۲۶	زیرکوه
۸,۰۰	۴,۵	۶۴۷۳	۱۴۲۲	۵۹۵۰	۱۳۲۶	سرایان
۷,۶۸	۵,۹	۵۷۷۴	۹۹۱	۶۱۴۶	۱۰۱۶	قاین
۳,۷۰	۴,۵	۲۷۱۴	۵۹۴	۳۰۲۶	۶۷۳	خوسف
۳,۳۶	۴,۷	۲۸۲۶	۵۸۴	۲۳۹۳	۵۱۵	فردوس
۲,۰۶	۴,۶	۲۳۷۴	۵۲۳	۸۲۵	۱۷۸	طبس
۰,۶۱	۴,۷	۳۸۷	۸۹	۵۵۳	۱۱۲	بشرویه
۰,۷۹	۵,۲	۶۲۶	۱۳۰	۶۰۰	۱۰۵	بیرجند
۱۰۰	۵,۳	۷۴۲۶۶	۱۴۲۳۱	۸۱۰۰۰	۱۵۳۳۱	استان

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷



شکل ۲. نمودار مقایسه تعداد خانوار عشایری ساکن در شهرستان‌های خراسان جنوبی



شکل ۳. نقشه توزیع درصدی جمعیت عشایری در شهرستان‌های خراسان جنوبی

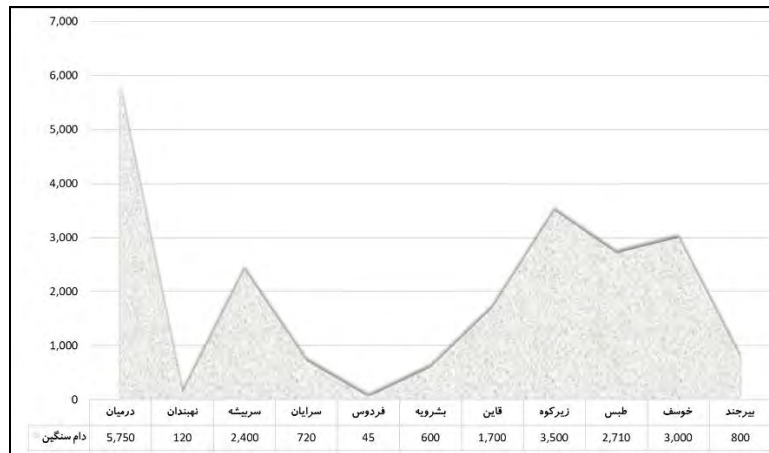
دوم، دام

مهم‌ترین منبع اشتغال و کسب درآمد جامعه عشایری، "دامداری" است؛ به طوری که علت اصلی وجود این سبک معیشتی را بر روی کره خاکی می‌توان همین "اقتصاد متکی بر دام" کوچ‌نشینان دانست. بدین‌سان بررسی وضعیت برخورداری از دام در جامعه عشایری استان خراسان جنوبی نشان داد (شکل ۴ و ۵) در کل ۱ میلیون و ۴۴ هزار و ۸۲۵ رأس دام سبک و ۲۱ هزار و ۳۴۵ رأس دام سنگین در اختیار این بخش از جامعه می‌باشد. از حیث وضعیت توزیع فضایی دام سبک عشایر در نواحی خراسان جنوبی، در شهرستان‌های درمیان، بیرجند و قاین به ترتیب بیشترین فراوانی و در فردوس و خوسف نیز کمترین میزان برخورداری از دام عشایری را می‌توان شاهد بود. دام سنگین، گونه‌ی غالب دام تحت مالکیت کوچ‌نشینان نمی‌باشد با این وجود، در برخی از زیستگاه‌های عشایری جنب کویر نگهداری شتر و در بین برخی از عشایر نیمه کوچ رو یا اسکان یافته نیز نگهداری گاو و گوساله معمول است. در شهرستان درمیان می‌توان شاهد بیشترین برخورداری از دام سنگین و در شهرستان‌هایی همچون نهبندان و فردوس نیز کمترین تعداد دام سنگین را می‌توان دید.



شکل ۴. نمودار مقایسه تعداد دام سبک عشایر در شهرستان‌های خراسان جنوبی

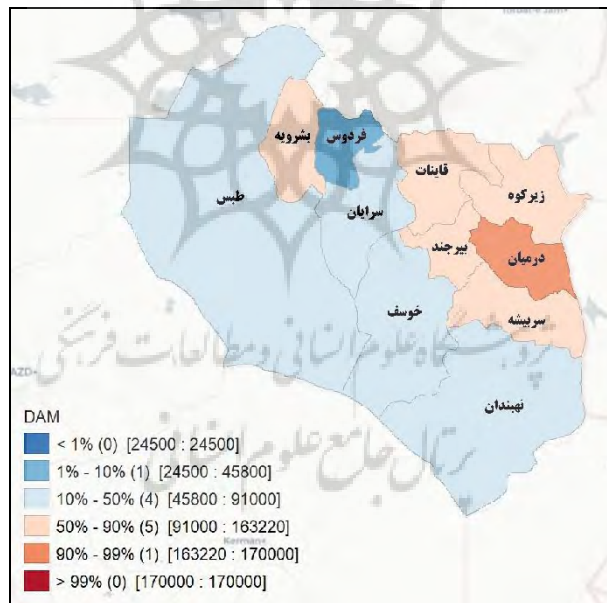
منبع: اداره کل امور عشایری خراسان جنوبی، ۱۳۹۹.



شکل ۵. نمودار مقایسه تعداد دام سنگین عشایر در شهرستان‌های خراسان جنوبی

منبع: اداره کل امور عشایری خراسان جنوبی، ۱۳۹۹.

بر اساس نقشه توزیع درصدی کل دام عشایر (سبک و سنگین) در شهرستان‌های خراسان جنوبی (شکل ۶) می‌توان ادعان نمود بیشترین تجمع دام عشایر در ناحیه شمال شرق تا شرق استان است. همچنین در قطر استان با کشیدگی از جنوب شرق به سمت شمال غرب می‌توان شاهد کمترین درصد برخورداری از دام عشایری بود که در ارتباط با علل آن می‌توان گفت بخشی از وضع فعلی با مسأله بروز خشکسالی که به سمت جنوب و غرب استان (به دلیل مجاورت با کویر مرکزی ایران) شدت می‌یابد، توجیه نمود.



شکل ۶. نقشه توزیع درصدی دام عشایر در شهرستان‌های خراسان جنوبی

کنکاش سرانه دام به ازای هر خانوار عشایری در نواحی خراسان جنوبی ظواهر متفاوتی از سیمای توزیع دام در بین خانوارهای عشایری آشکار می‌سازد (جدول ۴)؛ به طوری که از حیث برخورداری عشایر از دام سبک (دام غالب)، در شهرستان بیرجند می‌توان بیشترین سرانه را دید و این در حالی است که در همین شهرستان، درصد خانوارهای عشایری ساکن از کل استان (شکل ۳) در پایین‌ترین سطح قرار دارد؛ در عوض، شهرستان‌هایی همچون نهبندان، فردوس، زیرکوه و درمیان (شکل ۳) که دارای بالاترین تعداد خانوار عشایری ساکن است، کمترین سرانه دام را دارد. دلیل این ناهمسانی و افتراق فضایی وهله‌ی اول به تفاوت سبک زندگی عشایر در نواحی مذکور مربوط است به طوری که در شهرستان-

هایی که شاهد بیشترین تعداد خانوار عشایر هستیم، جوانان در سنین پایین‌تری اقدام به ازدواج نموده و تمایل کمتری به ترک فضاهای عشایری دارند. خانواده‌ها نیز برای حمایت مادی از زوج‌های جوان، بخشی از دام‌ها را به آنان واگذار می‌کنند. در مقابل در شهرستان‌های مرکزی به دلیل مجاورت خانوارها به مرکز منطقه و امکان دسترسی به فرصت‌های شغلی شهری به عنوان شغل مکمل و گاه پربازده (نسبت به دامداری پرمشقت در کانون‌های عشایری) برای جوانان، به نسبت دیگر نواحی کمتر تقسیم و واگذاری دام‌های گله به زوج‌ها جوان و فرزندان صورت می‌گیرد. در وهله‌ی بعدی، عشایر نواحی مرکزی به دلیل رانت مکانی و تمکن مالی قوی‌تر نسبت به عشایر نواحی شرق و جنوب استان، امکان نگهداری تعداد دام بیشتری (حتی در شرایط خشکسالی حاکم) دارند.

جدول ۳. سرانه دام به ازای هر خانوار عشایری در شهرستان‌های خراسان جنوبی (رأس)

محدوده	سرانه دام سبک	سرانه دام سنگین
بیرجند	۷۲۸	۴
بشرویه	۲۱۴	۱
طبس	۱۸۲	۷
قاین	۶۵	۱
خوسف	۵۹	۳
سربیشه	۵۴	۱
سرایان	۵۳	۱
درمیان	۴۹	۲
زیرکوه	۳۹	۲
فردوس	۳۳	۰,۰۶
نهبندان	۳۲	۰,۰۴
کل استان	۶۵	۱

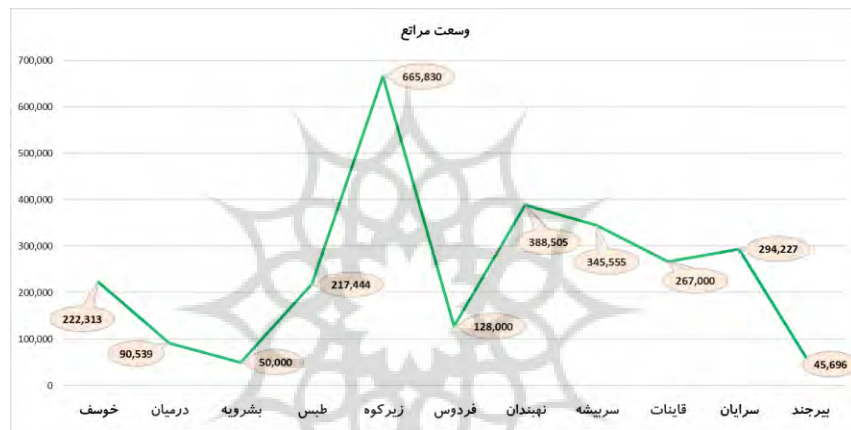
منبع: اداره کل امور عشایری خراسان جنوبی، ۱۳۹۹.

سوم، مرتع

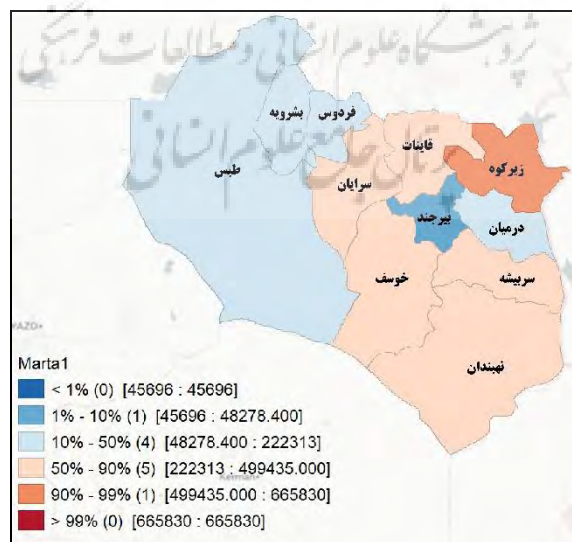
مرتع از حیث کیفیت و میزان در دسترس دارای اهمیت است. به منظور سنجش کیفیت مراتع از پایگاه داده اداره کل امور عشایری استان استفاده شده است که در آن متخصصین مربوطه، وضعیت مراتع را در قالب طیف ۵ سطحی (خیلی ضعیف، ضعیف، متوسط، خوب و عالی) دسته‌بندی نمودند. بررسی‌ها نشان داد (شکل ۷) در بیش از ۸۰ درصد نواحی استان خراسان جنوبی کیفیت مراتع ضعیف و خیلی ضعیف است. چنانچه از مسأله کیفیت مراتع چشم‌پوشی شود، به لحاظ دسترسی به مراتع (وسعت مرتع تحت اختیار عشایر هر شهرستان) نیز ناهمسانی در شرایط کنونی از ویژگی‌های بارز است (شکل ۸)؛ به طوری که در شهرستان‌های زیرکوه، نهبندان و سربیشه می‌توان بیشترین وسعت مراتع و در بشرویه و بیرجند نیز کمترین وسعت مراتع تحت اختیار را دید.



شکل ۷. نمودار مقایسه کیفیت مراتع در شهرستان‌های خراسان جنوبی (سال ۱۳۹۹)



شکل ۸. نمودار مقایسه وسعت مراتع شهرستان‌های خراسان جنوبی (هکتار - سال ۱۳۹۹)
منبع: اداره کل امور عشایری خراسان جنوبی، ۱۳۹۹.



شکل ۹. نقشه توزیع درصدی مراتع در شهرستان‌های خراسان جنوبی

در استان خراسان جنوبی سرانه مراتع به ازای هر خانوار عشایری (جدول ۴) حدود ۱۶۸ هکتار برآورد شده است. در بین شهرستان‌های آن، طبس بالاترین سطح سرانه را دارد و در مراتب بعدی می‌توان به نواحی زیرکوه، سرایان، خوسف و بیرجند اشاره داشت. از سوی دیگر، کمترین میزان سرانه به ازای هر خانوار عشایری در شهرستان درمیان بوده که برابر ۲۷/۲ هکتار است.

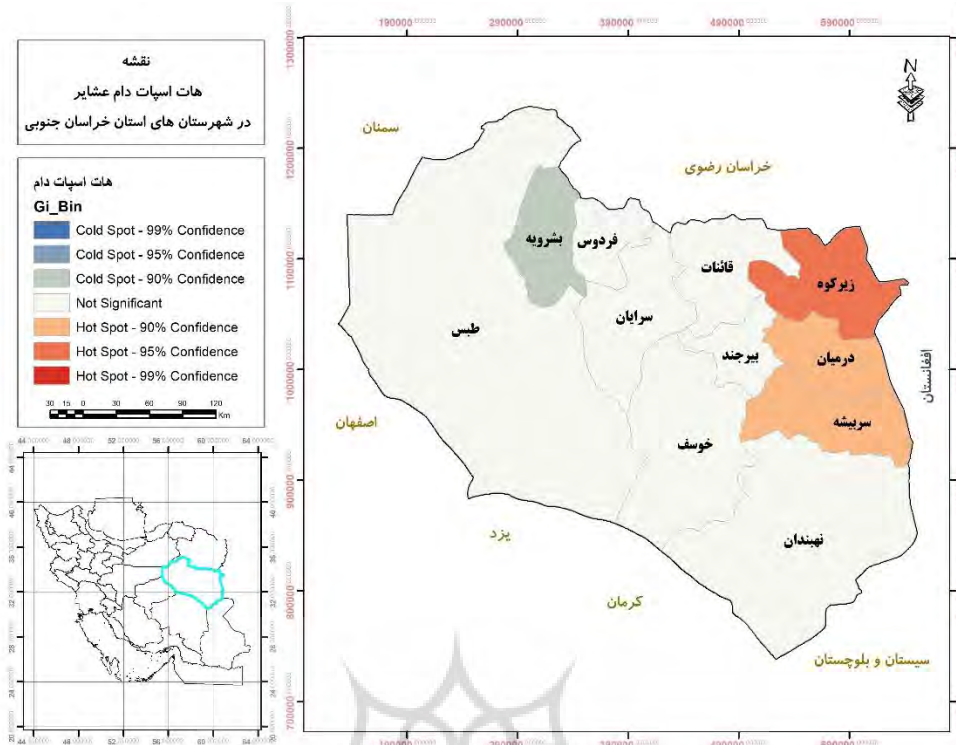
جدول ۴. سرانه مرتع به ازای هر خانوار عشایری در شهرستان‌های خراسان جنوبی (هکتار)

سرانه مرتع	محدوده
۵۳۰,۴	طبس
۳۰۰,۲	زیرکوه
۲۳۵,۶	سرایان
۲۳۱,۶	خوسف
۲۱۰,۶	بیرجند
۲۰۰,۸	سربیشه
۱۷۲,۳	فردوس
۱۳۹,۸	نهبندان
۱۲۷,۹	قاینات
۱۱۳,۱	بشرویه
۲۷,۲	درمیان
۱۶۸,۱	کل استان

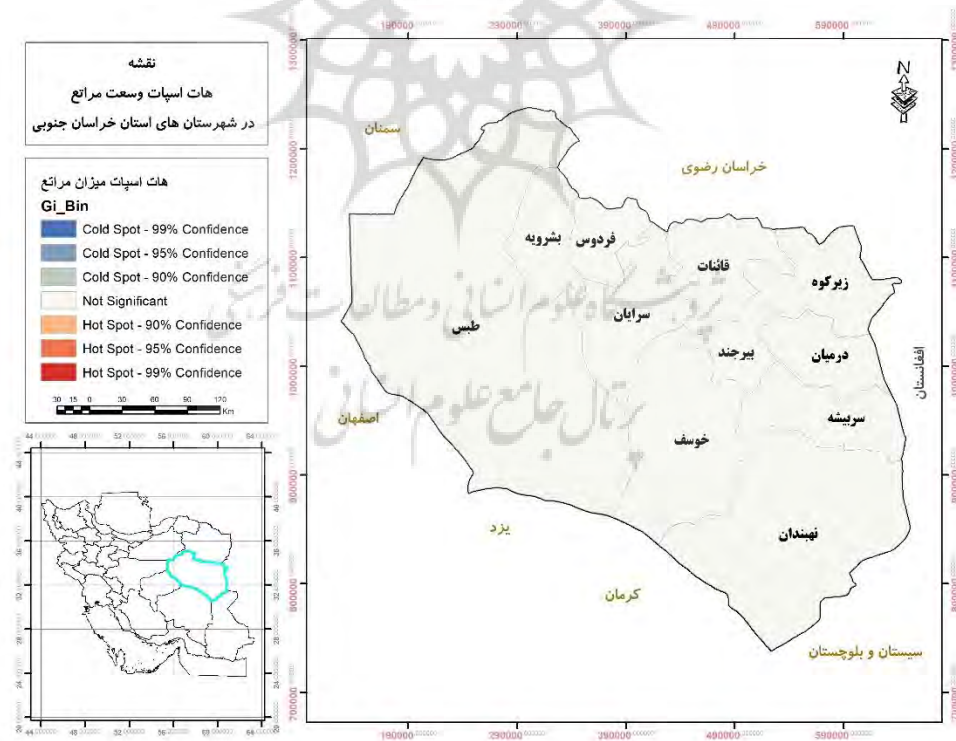
منبع: اداره کل امور عشایری خراسان جنوبی، ۱۳۹۹.

شکاف بنیان‌های اقتصاد عشایری

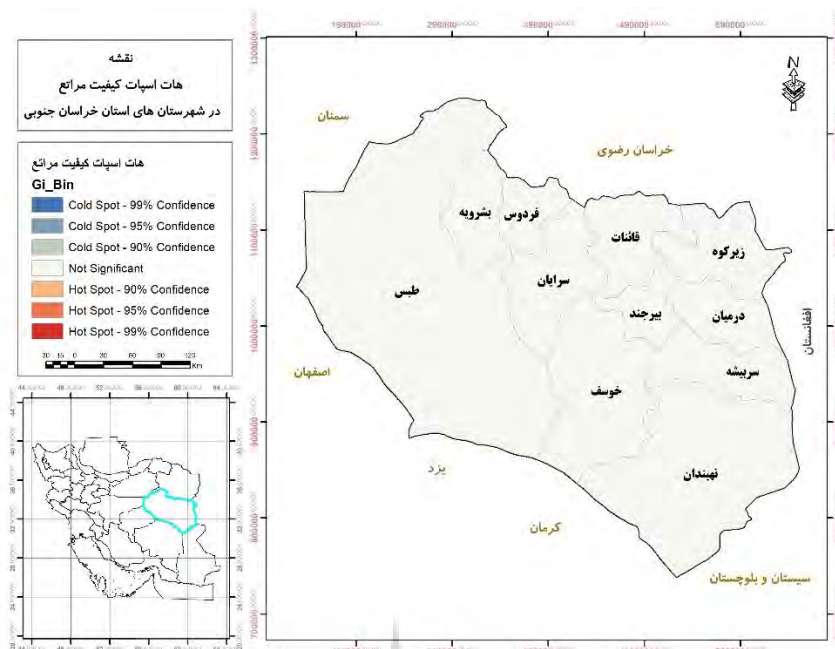
تحلیل لکه‌های داغ/سرد بر روی عناصر بنیادین ساخت اقتصاد عشایری در خراسان جنوبی نشان می‌دهد به لحاظ برخورداری از دام در شهرستان‌ها، ناحیه شمال شرق و شرق استان به طور معناداری بیشترین سطح برخورداری از دام‌ها را دارد. تنها لکه‌ی سرد شناسایی شده در فضا (به معنای کمترین سطح برخورداری از دام) در بشرویه بوده است (شکل ۱۰)؛ در دو مقوله وسعت و کیفیت مراتع نیز هیچ لکه‌ی داغ و سردی شناسایی نشده است. بدین معنا که در شهرستان‌های خراسان جنوبی به طور معناداری نه شاهد هیچ وضعیت ممتاز در ارتباط با برخورداری از منابع مرتعی برای عشایر هستیم و نه ناحیه‌ای وجود دارد که در شرایط محرومیت مطلق باشد و در کل یک وضعیت خنثی بر فضا و مجاورت-های نواحی به لحاظ برخورداری از مراتع برای عشایر حاکم است (شکل ۱۱ و ۱۲). نیروی انسانی عشایر در نواحی خراسان جنوبی در شهرستان-های جنوب شرق به طور معناداری یک لکه داغ تشکیل داده‌اند که مؤید تجمع نیروی کار یا جمعیت عشایری در آن است. همچنین شهرستان-های سرایان و بشرویه یک لکه‌ی سرد در شمال استان تشکیل داده‌اند که مبین کمترین در این نواحی و شهرستان‌های پیرامون آن است (شکل ۱۳). مهم‌ترین نکته قابل تأمل که از تطبیق نقشه‌های ترسیم شده حاصل می‌شود این است که در شهرستان‌های استان خراسان جنوبی، انطباق فضایی بین عناصر رکنی اقتصاد عشایری وجود ندارد. به عبارتی، آن نواحی‌ای که دام عشایر تجمع معناداری دارد، وضعیت مراتع از ظرفیت بالا و معناداری برخوردار نیست. همچنین نیروی کار عمده عشایر استان در جایی که دسترسی حداکثری به دام باشد، استقرار ندارد. به تعبیر دیگر، جمعیت عشایری از دسترسی مطلوبی به فرصت‌های اقتصادی پایه‌ای کوچ‌نشینی (دام و مرتع) برخوردار نیست.



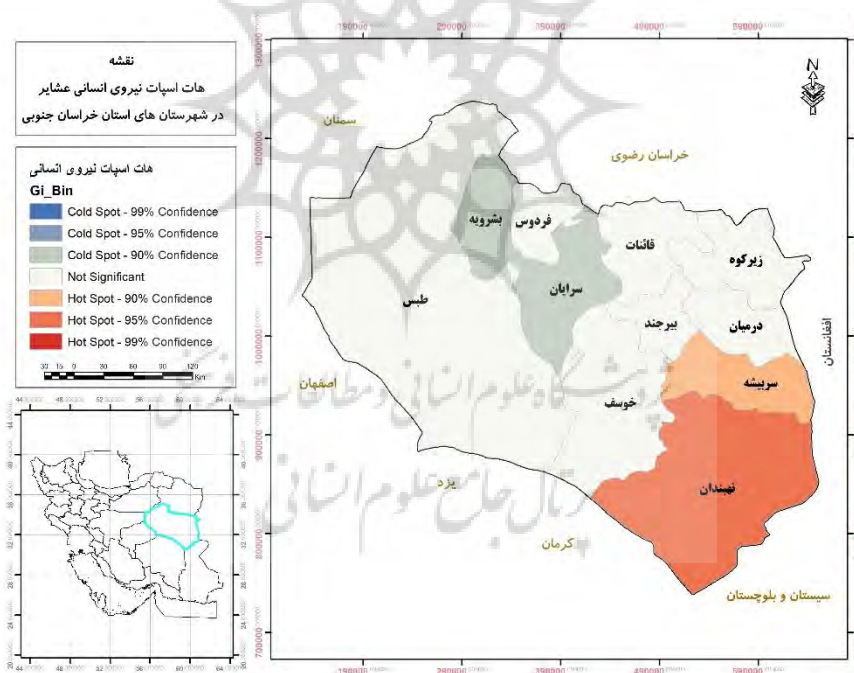
شکل ۱۰. نقشه هات اسپات دام عشایر در شهرستان‌های خراسان جنوبی



شکل ۱۱. نقشه هات اسپات وسعت مراتع در شهرستان‌های خراسان جنوبی



شکل ۱۲. نقشه هات اسپات کیفیت مراتع در شهرستان‌های خراسان جنوبی



شکل ۱۳- نقشه هات اسپات نیروی کار عشایر در شهرستان‌های خراسان جنوبی

نتیجه گیری

برنامه‌ریزی و هدایت امور در راستای ارتقا سطح رفاه جامعه عشایری، بایسته‌ها و الزامات عدیده‌ای دارد. از گام‌های نخست برای این منظور، درک شرایط حاکم بر فضا به ویژه در بعد اقتصادی است. بدین منظور، تلاش گردید با پایش و کنکاش سه رکن اساسی اقتصاد عشایری شرق

کشور (استان خراسان جنوبی) یعنی دام، مرتع و نیروی کار (جمعیت عشایری)، به بازنمایی شکاف‌های حاکم بر فضا از حیث سه‌گانه مذکور پرداخته شود.

از حیث نیروی انسانی و تجمع عشایر استان خراسان جنوبی، عمده تجمع و حضور عشایر را می‌توان مجاور با مرزهای بین‌المللی مشاهده نمود که به لحاظ اجتماعی - فرهنگی نیز پیوندهایی را میان عشایر داخلی با عشایر ساکن در افغانستان می‌توان جست. دامداری عشایر به عنوان فعالیتی که بررسی‌ها همانند نتایج مطالعات یاسوری و کشوری (۱۳۹۱) و شاطری و حجتی پور (۱۳۹۹) نشان داد که در هر حالت اولویت اول عشایر برای اشتغال و کسب درآمد است، وابستگی شدیدی در منطقه مورد مطالعه به دام سبک دارد. برخی خانوارهای عشایری بنا به ظرفیت‌های مکانی موجود اقدام به نگهداری دام سنگین نیز می‌نمایند. نکته قابل توجه این است که در کل استان الگوی تطبیقی فراوانی دام در شهرستان‌ها بر حسب دام سبک و سنگین، یکسان است. بررسی وضعیت مراتع مبین این بوده است که محدودیت کیفی مراتع از موانع و چالش‌های عمده در اقتصاد عشایر خراسان جنوبی است. مسأله خشکسالی بر شدت محرومیت از مراتع باکیفیت در نواحی خراسان جنوبی افزوده است. همچنین از حیث وسعت نیز، وسیع‌ترین مراتع در اختیار ناحیه ای است (زیرکوه) که کمترین سرانه دام را دارد. از این رو، همانطور که شکور و رضایی (۱۳۸۹) نیز در مطالعه خود اذعان داشتند، عشایر دچار ضعف مالی رو به تزايد هستند زیرا به دلیل مراتع کم کیفیت و محدود، امکان نگهداری یا رشد دام چندان میسر نیست؛ به سبب تورم نیز عشایر چندان امکان بهره‌گیری از روش‌های تأمین خوراک دام به غیر از چرا در مراتع ندارند و سپس مجبور به تعدیل اصلی‌ترین رکن مولد اقتصاد عشایری (یعنی فروش یا ذبح دام) می‌گردند.

انطباق لایه‌های سه‌گانه مرتع، دام و نیروی کار در جامعه عشایری استان خراسان جنوبی نیز نتیجه داد که دسترسی همسان و متوازی از این سه لایه در سطح استان (بین شهرستان‌ها) وجود ندارد. به عبارتی، عدم تناسب مکانی - فضایی بین ارکان بنیادین اقتصاد عشایری در استان، یکی از شکاف‌های موجود در این زیستگاه‌ها است که نابرابری شدید فضایی را به وجود آورده و مانعی جدی بر سر راه توسعه اقتصاد عشایری است. بدین‌سان می‌توان نتیجه گرفت که زندگی عشایری بعنوان شیوه سکونتی که کمترین فشار را بر پیکره‌ی محیط طبیعی و مدیریت فضا دارد و تنها گونه‌ی معیشتی "دوستدار محیط زیست و منابع طبیعی کشور" است، نیاز مبرم به برنامه‌ریزی توسعه با رویکرد آمایش فضا از حیث فعالیت‌ها و ظرفیت‌ها با هدف کاهش نابرابری‌ها دارد؛ چراکه امروز ضمن وجود گونه‌ای نابرابری فزاینده بین کانون‌های عشایری با بسیاری از روستاها و تمام شهرها، شاهد نابرابری درون بطنی فضاها و عشایرنشین بایکدیگر به ویژه در زمینه‌ی اقتصادی نیز می‌توان بود. استمرار وضع موجود و تعمیق یافتن شکاف نابرابری‌های دو سطحی ذکر شده می‌تواند بر ناپایداری‌سازی هرچه بیشتر اقتصاد عشایری از یک سو و همچنین بروز عواقب اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی از دیگر سو منجر شود.

منابع

- اکبری، محمود، تقوایی، مسعود، زنگی آبادی، علی و وارثی، حمیدرضا (۱۳۹۰). نابرابری‌های درآمدی و رفاه پایدار شهری (مطالعه‌ی موردی: کلان شهر شیراز). *جغرافیا و توسعه ناحیه ای*، ۱۹(۱): ۸۳-۱۰۶.
- اولیائی، اسماعیل (۱۳۶۹). بررسی اقتصادی اجتماعی اسکان عشایر، مجموعه مقالات *سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر*، انتشارات سازمان امور عشایر ایران.
- بخشی جهرمی، آرمان (۱۳۸۶). آنالیز اقتصاد تولید و درآمد عشایر - (مطالعه موردی عشایر سامانه درزه، زیست بوم هامون - جازموربان، شهرستان کهنوج)، *ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد*، <https://civilica.com/doc/46793>
- جعفری‌بیگی، خسرو (۱۳۸۲). *مردم‌شناسی قوم کرد با تکیه بر ایل کلهر*، کرمانشاه: انتشارات زانیا.
- جمالی، فیروز، قبری، ابوالفضل و پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۹). نگرشی بر مفهوم نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی-اقتصادی، فصلنامه مدرس علوم انسانی - برنامه ریزی و آمایش فضا، شماره ۶۷ صص ۱۴۱-۱۲۱.
- حیاتی، ابراهیم (۱۳۸۰). چشم اندازی به فردای زندگی عشایر، مجموعه مقالات *سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر*، سازمان امور عشایر کشور، تهران. صص ۱۸۵-۱۶۹.
- خالصی، گلنار و پیرایی، خسرو (۱۳۹۵). رابطه رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی بین استان‌های ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۶(۲): صص ۱۷۱-۱۵۵.
- خیرالدین، رضا و قادری، محمد (۱۴۰۰). تحلیل اثرات برنامه‌های حمایت مالی در تعدیل نابرابری فضایی شهری (بازکاوی تجربه سه دهه برنامه‌ریزی در شهر ریودوژانیرو)، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۵۳، صص ۱۵۴-۱۳۳.

دهقانیان، سیاوش و کهنسال، محمدرضا (۱۳۷۹). بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان، فصلنامه علمی اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۲۹، صص ۱۰۶-۷۵.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آناتومی جامعه*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ریاحی، وحید، مرادی، ماریا و نظری، محمد (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی ساختار اقتصاد عشایر شهرستان‌های قصرشیرین و ساوه، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، دوره ۸، شماره ۲۲، صص ۴۵-۵۵.

شارون، جوئل (۱۳۷۹). *ده پرش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

شاطری، مفید و حجی‌پور، محمد (۱۳۹۹). بررسی ظرفیت، استعداد و زمینه‌های اشتغال در مناطق عشایری استان خراسان جنوبی، طرح پژوهشی: کارفرما، اداره کل امور عشایری خراسان جنوبی.

شکور، علی و رضایی، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه الگوهای اقتصادی تولید در ایل قشقایی فیروزآباد و سنجش و گرایش آنان به تغییر شیوه معیشت، فصلنامه نگرش نو در جغرافیای انسانی، شماره ۵، صص ۱۳۴-۱۲۳.

صیدایی، سیداسکندر (۱۳۸۸). چشم‌انداز جامعه عشایری ایران در افق ۲۰ ساله آتی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۱۲، صص ۱۶۶-۱۴۷. علی‌آبادی، سلمان و قلی‌زاده، حیدر و محب‌علی‌پور، ناصر (۱۳۹۵). بررسی اقتصاد تولیدات عشایر زیست‌بوم میانه، اولین همایش ملی رویکردهای نوین در حسابداری و مدیریت، میانه، <https://civilica.com/doc/725825>

فطرس، محمدحسن و شهپازی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین تحرک درآمدی و نابرابری در ایران، فصلنامه روند، شماره ۷۴، صص ۹۸-۶۷.

فیاض، محمد (۱۳۹۹). عشایر و مراتع، چالش‌ها و راه‌حل‌ها، نشریه طبیعت ایران، (۱)، صص ۱۱-۷.

قنبری، سیروی، رضایی، سمیه و منصوری دانشور، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر توسعه گردشگری عشایری با استفاده از تکنیک SWOT (مطالعه موردی: ایل بختیاری)، فصلنامه جغرافیایی فضای گردشگری، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۱۱۹-۱۰۵.

کرباسی، علیرضا و نیکخواه، حجت‌اله (۱۳۸۴). بررسی اقتصاد تولید دام عشایری در استان لرستان، پنجمین کنفرانس دوسالانه اقتصاد کشاورزی ایران، زاهدان.

کریمی‌موغاری، زهرا (۱۳۹۹). تحولات دیدگاه صندوق بین‌المللی پول در مورد پیامدهای نابرابری، فصلنامه تأمین اجتماعی، (۲)، صص ۲۲۹-۲۰۷. کفایی، محمدعلی و نصیری، حسین (۱۳۸۷). اصول حاکم بر شاخص‌های نابرابری درآمدی و بررسی آن‌ها از نظر اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۲، صص ۹۳-۱۲۲.

کفیل‌زاده، فرخ، اسمعیلی‌زاده، علی و سیدان، مهدی (۱۳۸۱). اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته-مطالعه موردی ایل کرد، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۲۲۳-۲۰۱.

مایو گونج، ارال و میسر، ا. بی. (۱۳۶۸). توسعه منطقه‌ای، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

محمدی، مهدی (۱۳۸۲). توانایی‌های زنان در اقتصاد تولیدی عشایر، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۶، صص ۱۲۸-۱۰۹. مرکز آمار ایران (۱۳۸۷). سرشماری عمومی عشایری کل کشور.

مشیری، سید رحیم و مولائی هشتجین، نصراله (۱۳۸۶). اقتصاد کوچ‌نشینان ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.

منصوری، مسعود (۱۳۸۱). بررسی مقایسه‌ای زمینه‌های اقتصاد تولید در گروه‌های عشایری و گرایش آنان به تغییر و تحول در شیوه تولید عشایری (مطالعه موردی ایل جلابی-شمال غرب کشور، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۹ (۱)، صص ۷۱-۶۰.

نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۸۳). نقش عشایر در توسعه اقتصادی ایران، همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران، تهران، مشاهده شده در آدرس اینترنتی <https://civilica.com/doc/352468>

نراقی، یوسف (۱۳۷۵). توسعه و کشورهای توسعه نیافته، تهران: شرکت سهامی انتشار.

یاسوری، مجید (۱۳۸۸). نابرابری، علل، چگونگی و پیامدهای آن، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۶۶-۲۶۵، صص ۲۲۹-۲۱۸.

یاسوری، مجید و کشوری، زینب (۱۳۹۱). بررسی تحولات اقتصادی خانوارهای عشایر قشلاقی- نمونه موردی طایفه اصلانلو، همایش ملی توسعه روستایی، گیلان <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=15466>

Barro, R. J. (2000). "Inequality and Growth in a Panel of Countries" *Journal of Economic Growth*, 5(1), 5-32.

Bourguignon, F. (2003). "The Growth Elasticity of Poverty Reduction: Explaining Heterogeneity across Countries and Time Periods" *Inequality and Growth: Theory and Policy Implications*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.

Bourguignon, F. and Verdier T. (2000), Oligarchy, Democracy Inequality and Growth; *Journal of Development Economics*, No. 62.

Couclelis H. (1999) "Spatial information technologies and societal problems"; In: M. Craglia and H. Onsrud (Editors), *Geographic Information Research: Trans-Atlantic Perspectives*, London: Taylor and Francis.

- Dabla-Norris, Era; Kalpana Kochhar; Frantisek Ricka, Nujin Suphaphiphat, and Evridiki Tsounta (2015) *Causes and Consequences of Income Inequality: A Global Perspective*, International Monetary Fund, Strategy, Policy, and Review Department.
- Getis A, Ord JK (1992), the analysis of spatial association by use of distance statistics. *Geogr Anal* 24(3):189-206.
- Lazear, E., and S. Rosen. (1981). "Rank-Order Tournaments as Optimum Labor Contracts .. *Journal of Political Economy* 89(5): 64-841.
- Lichbach, M. I. (1989). "An Evaluation of 'Does Economic Inequality Breed Political Conflict?'" *Studies .. World Politics*, 41(4): 70-431.
- Ravallion, M. (2004). "Pro-Poor Growth: A Primer." Policy Research Working Paper Series 3242 ,World Bank, Washington.
- Rogerson, P.A., (2006), *Statistics Methods for Geographers: students Guide*, SAGE Publications. Los Angeles, California.

How to Cite:

Hajipour, Mohammad. (2022). The Gap Between the Foundations of Nomadic Economy in South Khorasan Province. *Studies of Nomads Area Plannig*, 1(2), 93-110.

ارجاع به این مقاله:

حجتی پور، محمد. (۱۴۰۰). شکاف فضایی بنیان‌های اقتصاد عشایری در استان خراسان جنوبی. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱(۲)، ۹۳-۱۱۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Research Article

The Gap Between the Foundations of Nomadic Economy in South Khorasan Province

Mohammad Hajipour* - Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Birjand University, Birjand, Iran.

Receive Date: 01 October 2021

Accept Date: 21 November 2021

ABSTRACT

Introduction Nomadism has a productive and developmental economy. The irreplaceable functioning of the nomadic economy and products causes the improvement and transformation of this part of the national economy to always be an important effort. Despite the importance of the nomadic productive economy, there are serious challenges facing the country's nomads, so that many of them have either left this field of activity or are dissatisfied with employment in this field. Spatial inequalities and gaps are among the priority issues related to the nomadic economy that have received less attention. South Khorasan province is one of the nomadic regions which is in the fifth row of the country.

Purpose of the research: In the present study, an attempt has been made to analyze the current situation in terms of distribution and spatial enjoyment of the main elements of nomadic economy (labor, livestock and rangeland) in order to better understand spatial inequalities in nomadic areas of South Khorasan province.

Methodology The present research has an applied nature and in terms of method is descriptive-analytical and in-depth. Research data have been collected based on documentary studies. The initial database was created in Excel software and after entering the necessary information into ArcMap and GeoDa software, spatial data analysis was performed and output maps were prepared.

Geographical area of research In this research, the geographical territory includes the nomads of the cities of South Khorasan province.

Results and discussion Following the adaptation of the information of the three pillars of pasture, livestock and labor in the nomadic spaces of South Khorasan, the results showed that there is no equal and balanced access to these three important pillars in the cities; So that the areas with the most livestock are not very rich in terms of manpower and pasture.

Conclusion Finally, it can be said that the deepening of inequality and spatial rupture in terms of the foundations of the nomadic economy is an epidemic in space. Therefore, it is necessary to plan development with a space management approach in terms of activities and important capacities of the nomadic economy in order to reduce inequalities.

KEYWORDS: Inequality, Nomadic Economy, Livestock, Rangeland, Labor.